ج) جمعه اول ماه سیدنی؛ کفایت طولی تحقق مقارنه در روز جمعه سیدنی

(51:00)

نوع دیگری از طولیت هم هست؛ اگر بخواهیم همین روز جمعه را برای آنها هم اول ماه بگیریم، ببینیم مصحح داریم یا ندارید. شما می‌گویید روز جمعه آنها که تمام شد، ساعت نه شب آنها است، می‌گوییم آیا وقتی غروب آنها بود، وقتی روز جمعه آنها بود، آیا سیر جدید قمر بعد از مقارنه آغاز شده بود یا نه؟ بله، حداقل مقارنه دوازده ساعت طول می‌کشد. ساعت نه شب آنها از تحت‌الشعاع خارج شده، اما چه بسا قبل از زوال آنها در ساعت ده صبح آنها مقارنه شروع شده بود. شارع می‌گوید وقتی ساعت نه شما زوال می‌شود، شما را به‌منزل کسی می‌دانم که به‌عنوان عذر نمازش را قبل از وقت می‌خواند و یک سلامش در وقت واقع می‌شود. من از او می‌پذیرم. درست است که وقت زوال وجوب آمده، اما برای تو می‌پذیرم. چون عذر داشتی و قبل از زوال با عذر موجه نماز را آغاز کردی، قبل از زوال برای تو می‌گویم که وجوب بالفعل است. چطور تصحیحش می‌کنید؟! می‌گوییم فعلیت مسمی برای قبول کل عمل کافی است. الآن هم فعلیت پیدا کردن قبل از زوال برای سیدنی که دور جدید آغاز شد، کافی است برای اینکه ولو شب توست ولی کل جمعه قبلی تو اول ماه است.

شاگرد: قرار شد این نصف النهار را با خروج از تحت‌الشعاع درست کنیم، نه خروج از مقارنه. یعنی دارید این را هم طولی می‌کنید؟

استاد: بله، در اینکه اکتفاء کردن مربوط به مدیریت امتثال است یا طولیت است، دقت دارد. یعنی الآن شارع که می‌فرماید یک سلام تو در وقت واقع شد، قبول این نماز از او از باب یک امر ثبوتی است؟ یک انشاء ثبوتی طولی است؟ یا از باب مدیریت امتثال است؟ الآن در ارتکاز من ثبوتی است.

شاگرد۲: ثبوتی یعنی چه؟

تنظیر به کفایت مسمای درک زوال در اجزاء نماز ظهر قبل از وقت

(54:10)

استاد: ثبوتی یعنی شارع با یک انشاء ثبوتی ثانوی می‌گوید ولو زوال شد و وجوب نماز ظهر آمد، اما در قبول نماز مسمای فعلیت زوال برای من کافی است. همین که لحظه‌ای نماز تو در فعلیت امر من واقع شد، قبول دارم.

شاگرد۳: در امان فیه که اصلاً هیچ جزئی داخل وقت نیست.

شاگرد: شما فعلاً تحت‌الشعاع را بگویید.

استاد: وقتی ما می‌خواهیم نظم بدهیم، چطور است که شما الان از وجوب اول زوال برای وقوع عمل کوتاه می‌آیید، کوتاه آمدن یعنی چون عذر دارید، وقتی عذر دارد شما می‌گویید فی الجمله در زوال واقع شده است. نظیر آن را ببینید؛ ولو گفته اند خلاف اجماع مسلمین است ولی در کتب فقهی هست. از ابن عباس نقل کرده‌اند؛ گفته اند زوال که شد نماز واجب است اما مسافری که بعد از سفر نمی‌تواند نماز بخواند، قبل از زوال کل نمازش را بخواند. این را به ابن عباس نسبت داده‌اند. به نظرم شیعه و سنی هم نقل کرده‌اند. ابن عباس چه کار می‌کند؟ ابن عباس می‌گوید روز که شده، «اقم الصلاة» هم مربوط به صلات نهاریه است. خود ابن عباس اجازه نمی‌دهد قبل از طلوع بخوانید. یعنی می‌گوید چون صلات ظهر صلات نهاریه است، وقوع آن در نهار برای مسافر کافی است. بله، برای مختاری که مسافر نیست زوال معیار است. برای ذو عذری که زودتر خوانده وقوع سالم است.

این‌ها را به‌عنوان تنظیر عرض می‌کنم تا وقتی شما می‌خواهید در مراحلی از انشائات وحدت حکم بدهید، از بعض قیود کوتاه می‌آیید، به یک قید بعدی که موجود است و واقعیت دارد. صرف همین‌طور جزافی نیست. شما به چیزی متکی می‌شود که واقعی است.

جابر بن زید ایادتان هست؟ از او سؤال کردند؛ به او گفتند ما هلال را در روز دیدیم، گفت بگو ببینم «بین یدی الشمس» دیدی یا «خلف الشمس»؟ گفت اگر هلال را جلویش دیدی روزه نخوری، اگر خلفش دیدی بله. معنای این حرفش این بود که قمر دارد می‌رود، اگر هنوز به شمس نرسیده و در دور قبلی است، خب دیده باشد. اما اگر پشت شمس است یعنی کنار شمس آمد و در شد...؛ یعنی این‌ها یک تکوینیاتی است که راسم ادوار و ازمنه است. لذا جابر بن زید می‌گوید اگر از خورشید در شد، این در شدن یک امر تکوینی خارجی است.

شما این را بگویید: حرف جابر بن زید را به سیدنی بیاورید. می‌گوییم: ای کسانی که در سیدنی هستید روز جمعه ساعت یازده صبح اگر می‌توانید هلال را ببینید، پشت خورشید است. الآن هم می خواهیم بگوییم وجب صوم شهر الصیام، البته با آن توسعه، نه خروج از تحت‌الشعاع. اگر شما بگویید قبل از زوال سیدنی هنوز روز شما است و هنوز روز شما نصف نشده است، می‌بینید قمر خلف شمس است. از شمس در شده است. عرف آن‌ها می‌گویند ماه شعبان بود و الآن هم دور گشت و پشت شمس است. یعنی شما می‌دانید وقتی امروز خورشید در سیدنی غروب کند، هلال پشت خورشید است. اینجا اگر شارع گفته باشد که من کوتاه آمده‌ام، چون ساعت ده صبح طوری هستید که هلال در شده و وقت غروبتان می‌دانید که اول خورشید بالا می‌رود، و پشت شمس هلال دارید من اکتفاء کردم به این‌که بگویم امروزتان یعنی روز جمعه اول ماه شما است. روزه هم بگیرید. هر کسی گرفته قضا ندارد. هر کسی نگرفته مثل یوم الشک قضا کند.

البته من هنوز تلفیق را عرض نکرده‌ام. این یک جور تلفیق بود. مرتبه ابتدائی از تلفیق بود. بعداً در ذهنم هست که ممکن است بین دو مبنا تلفیق کنیم. یعنی شما برای این‌که نظم بدهید رؤیت قبل از زوال را با رؤیت قبل از غروب را ملفق می‌کنید. نه روی یک مبناء. این از موارد غامض است. یعنی محال نیست شارع چنین کاری بکند. دو مبنا را نزد خودش ملفق می‌کند تا متشرعه را با همان ارتکاز عرفی همسازشان کند و بگوید من کل کره را نظم دادم.

شاگرد: تلفیقش به نحو غیر طولی؟

استاد: تلفیق می‌کند و از تلفیق آن یک خروجی در می‌آید. چون طولی ها دو خروجی دارد و فقط جایش تفاوت می‌کند. ولی این تلفیقی که الآن می‌خواهم عرض کنم این‌طور نیست. بلکه خود شارع دو مبنا را تلفیق می‌کند و یک خروجی می‌دهد. ولی لازمه اش این است که کل آفاق با اختلاف

روز، روزه می‌گیرند. نه اتحاد. خروجی هر کدام معلوم باشد.

شاگرد۲: بیان حکومت و ورود در اینجا ممکن هست؟

استاد: بله، یکی از بیاناتش حکومت می‌شود.

شاگرد۲: اگر نصف النهار شرعی باشد ورود می‌شود. یعنی همان موضوعی که ایجاد کرده را توسعه می‌دهد.

استاد: ببینید حکومت و ورود یک نحو تعبد است. این هایی که من عرض می‌کنم قبل از تعبد است. می‌خواهم تعبد و حکومت تعبدی نباشد. یعنی مبادی وجوب موضوع حکم را ببینیم؛ مگر نگفتیم خروج از تحت‌الشعاع جزء الموضوع است، این خروج یک بند و بیل های تکوینی دارد که شارع در وقت ضرورت می‌تواند به این بند و بیل ها اکتفاء کند. مثل اینکه برای غسل جمعه در وقت عذر به بند و بیلش که شب جمعه است اکتفاء می‌کند. خروج قمر از تحت‌الشعاع بند و بیل های عرف عقلاء را دارد. یعنی عقلاء برای آن حساب باز می‌کنند. الآن به عرف سیدنی بگویید. بگویید صبح است، توضیح هم بدهید که قبل از نصف روز می‌تواند حکم صوم باطل بشود، الآن هم قبل از زوال شما است، طبق حرف جابر بن زید قمر پشت شمس است، ابداً ندارند که شارع برای آن‌ها تجویز کند که همین روز جمعه شما روز اول ماه شما است. هر کسی روزه گرفته من قبول دارم و هر کسی نگرفته بعداً همین روز جمعه را به‌عنوان اول ماه سیدنی قضا کند.

بازبینی #2
ایجاد شده 13 ژانویه 2026 15:36:07 توسط ... .
به روزرسانی شده 14 ژانویه 2026 13:35:23 توسط ... .